چشمتان روشن

مدیر سینمایی که معرف کتاب زندگی شهید شد

سینما و کتاب در مشهد پیوند خورد

فرزانه شهامت | «تیتراژ پایانی فیلم که تمام شد، هنوز در حال و هوای آن فضا بودیم که چراغ های سالن سینما روشن شد. آقایی آمد بالای صحنه. کتابی را که توی دست گرفته بود، خیلی کوتاه معرفی کرد و پیشنهاد داد مطالعه اش کنیم. کتاب دقیقا در مورد همان فیلمی بود که چند دقیقه پیش تمام شده بود.» پیام رایکی از حاضران در سینما مهر کوهسنگی برای شهرآرا فرستاده است. فیلمی که این شهروند برای تماشای آن رفته بود، «غریب» نام دارد که این روزها روی پرده سینماهای سراسر کشور است و گوشه هایی از زندگی شهید محمد بروجردی را روایت می کند. چشم روشنی امروز مان به این ابتکار جالب برمی گردد که پیوند سینما و کتاب، فقط یکی از ثمره های آن است. قضیه وقتی برایمان جالب تر شد که متوجه شدیم کسی که روی صحنه رفته و حاضران را به خواندن کتاب «محمد؛ مسیح کردستان» ترغیب کرده، احسان مینایی راد، مدیر پردیس سینمایی یادشده است. این مجموعه در آخرین روزهای پارسال افتتاح شد.

وقتی پس از زنگ و پیامک، سرانجام می توانیم آقای مدیر را پیدا کنیم، از دغدغه هایش این طور می شنویم: «به این فکر می کردم که چطور می شود آثار تولیدشده درباره موضوع ها یا شخصیت های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی را زنجیروار معرفی کرد. یعنی اگر فیلمی تولید و کتابی تألیف شده است یا تئاتر در حال اجرایی وجود دارد، این ها را با هم معرفی کرد تا پیام به شکل های مختلف ارائه شود و بهتر به جان مخاطب بنشیند.»

ایده مینایی راد در حد ایده بود تا وقتی که فیلم «غریب» اکران شد؛ شخصیتی که درباره اش کتاب های مختلفی نوشته شده و اصلا فیلم نامه هم بر اساس یکی از همین کتاب ها به رشته تحریر درآمده است. اینکه مدیر سینما، کتاب دستش بگیرد و مخاطبانی را که فقط برای تماشای فیلم آمده اند، به خواندن کتاب مرتبط تشویق کند، باذهنیت های رایج از رفتارهای مدیریتی جور درنمی آید.



او به سؤال بی تعارف ما راحت جواب می دهد و می گوید: «برایم مهم بود که این کتاب معرفی شود. می خواستم این جریان سازی اتفاق بیفتد. به کلاس کاری فکر نکردم و این طور چیزها برایم مهم نیست. خدمتگزار جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی هستم و پای برنامه ریزی و اجرای هر ساز و کاری هستم که کمک کند مخاطب، پیام این جبهه را بشنود.

او می گوید که در گام های بعد، وقتی اکران های این سینمای تازه افتتاح شده بیشتر شود، برای معرفی دیگر آثار تولیدشده مرتبط با فیلم های قابل توصیه به مخاطبان از همراهی کسانی استفاده خواهد کرد که می توانند در این زمینه بهتر و حرفه ای تر عمل کنند.

تو مرا خواندی، به چشم

روایت شب قدر ناشنوایان مشهدی که در بارگاه منور رضوی برگزار شد

گزارش روز



مهدی عسکری
روزنامه نگار

تو مرا خواندی به چشم، به اشاره، به زبان دل. تو مرا دعوت کردی به بزم اشک، به میهمانی قدر با زبانی خاموش و چشم هایی روان از آب دیده. من به امید اجابت لطف تو آمده ام، به میهمانی سکوت، به خلوتی که ناله هایش رسانیست و فریادش خاموش است، اما لبریز از دل شکستگی است. من به امید جوشن کبیرت، به تمنای استغاثه های درونم و به مدد فریاد الغوث الغوث آمده ام. با اشاره تو آمده ام، با زبان اشاره، مجمل من را مفصل بخوان و اجابت کن. تو خواستی و من «به چشم» آمدم...

رواق حضرت زهرا(س) امشب پذیرای ناشنوایان مشهدی است که قرار است در اولین شب قدر، قرآن به سر بگیرند و خدا را با زبان دل بخوانند. قرار است حاج احمد واعظی برایشان مداحی کند و حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم عابدینی هم سخن از قدر بگوید و آن ها مراسم «قرآن به سر» را برگزار کنند. همین ابتدای کار، پرسشی ذهنم را مشغول کرده است؛ به جز سخنرانی که با ترجمه زبان اشاره به ناشنوایان منتقل می شود، چگونه قرار است سوز و گداز مداحی و نوحه سرایی را درک کنند و قرار است مترجم زبان اشاره چگونه این حس را به آن ها منتقل کند؟ به عبارتی، چه فرقی دارد که حاج محمود کریمی برایشان بخواند یا حاج احمد واعظی یا هر ذاکر دیگری؟ تمرین «العفو» و ذکر «یا علی» حجت الاسلام والمسلمین اژدرمحمدی سال هاست که همدم ناشنوایان مشهدی است و علاوه بر پیش نمازی، یکی از مترجمان ناشنوایان است. صف های پیوسته برای نماز پیش از آغاز رسمی مراسم در حال مرتب شدن برای برگزاری چند رکعت نماز است. حجت الاسلام والمسلمین اژدرمحمدی هم تکبیر می گوید و نماز آغاز می شود.

ساعتی گذشته است، اما هنوز هم به شمار حاضران افزوده می شود. آن ها که از پارسال همدیگر را ندیده اند، مشتاقانه یکدیگر را در آغوش می گیرند و التماس دعا می گویند. کودک و جوان و پیر هم ندارد؛ از هر سن و سالی میانشان هست.

جمعیت بیشتر شده و تقریبا همه چیز آماده برگزاری مراسم است. هم زمان با ترجمه سخنان مجری توسط مترجم، نمایشگرهای بزرگ نیز تصاویر مراسم و ترجمه سخنان را برای آن ها که دورتر نشسته اند، پخش می کند.

پیش از آغاز مداحی حاج احمد واعظی، مترجم در حال صحبت از شب قدر است. او از برکات شب قدر می گوید و اینکه باید به این شب گوش جان بسپاریم. با اشتیاق و شوری تمام عیار دست ها را پایین و بالا می برد و با اشاره او همه یک صدا فریاد می زنند. فریادشان مثل ما نیست، اما می توان متوجه شد که «العفو» می گویند. ذکر بعدی که مترجم دوباره با شور و حرارتی خاص، حاضران را به فریادش مجاب می کند، «یا علی» است. مثل ذکر قبلی باید کمی دقت کنی تا متوجه «یا علی» گفتنشان بشوی.

حالا دست ها رو به آسمان است. برخی کتاب دعا به دست دارند و برخی دو دست را بالاتر از سر گرفته اند و با حرکات پرشور مترجم زبان اشاره، آن ها هم سر به راست و چپ می چرخانند و حال دعا را در خود ایجاد می کنند. مترجم از حضور دل و توجه آن ها تشکر می کند. شاید بتوان گفت که این تمرین چند دقیقه ای، آماده سازی دل و جان ناشنوایان برای آغاز مراسم است.

هنر چشم و زبان اشاره

پرسش من همچنان به قوت خود باقی است؛ اینکه چه رابطه ای میان مترجم و آن ها برقرار است که می توانند به حس خوب دعا برسند، یا اینکه مترجم چگونه مداحی ذاکران را برای آن ها ترجمه می کند که آن ها منقلب می شوند و اشک می ریزند؟

پرسشم را با حجت الاسلام والمسلمین رضا اژدرمحمدی در میان می گذارم و او می گوید: «کار مترجم به دو صورت می تواند تأثیرگذار باشد؛ یکی از نظر بصری و دیگری توانایی برای مفهوم سازی با حرکات فیزیکی است و این کار باید با نهایت مهارت و دقت باشد. اگر مترجم حال دعا و سخنرانی را خوب درک کند، می تواند آن را به خوبی منتقل کند و این کار باید با هنرمندی کامل باشد. درحقیقت همه چیز با چشم و حواس دیداری انجام می شود.»

او از استقبال پارسال و امیدواری با حضور پرشور امسال این گونه می گوید: «پارسال برنامه در همین مکان اجرا شد. بازخوردها خوب بود. بعد از مراسم فیلم و عکس هایی به دستمان رسید که نشان می داد خیلی ها پای تلویزیون نشسته اند و این مراسم را تماشا کرده اند.»

حدیث دل شکستگی

همین پرسش را از سیدمحمدحسین عسکری می پرسم. او مترجم زبان اشاره است و لحظاتی از جایگاه پایین آمده تا گلویی تازه کند و جایش را به مترجم دیگری سپرده است. می گوید: «گریه و شیون های معمول در مداحی ها را معمولا در ناشنوایان نمی بینید. تجربه سال ها ترجمه زبان اشاره به من آموخته است که ناشنوایان عزیز به طور معمول وقتی گریه می کنند که دل شکسته شوند. اما وقتی این دل شکستگی ایجاد شود و حال عزا کامل شود، شیون و گریه هایشان عجیب است و خالصانه.»

او به ذکر یک خاطره برای اهمیت تبحر مترجم ها، این گونه می گوید: «چند سال پیش برای مراسمی در تهران حاضر شده بودیم. به لطف خدا حال خوبی هم میان آن ها ایجاد شد. وقتی در پایان مراسم از چندنفرشان درباره کیفیت کار سؤال کردم، متعجب بودند و می گفتند تاکنون چنین برنامه ای به چشم ندیده بودیم. گویا ترجمه های گذشته رسمی و بدون کیفیت لازم برای برقراری ارتباط بود. مثلا یک مداحی را یکی می خواند و فقط گوش می کنید، اما نفر بعدی که می خواند، هم لذت می برید و هم دل شکسته می شوید و اشک می ریزید. مترجم مداحان هرچه حرفه ای تر و با زبان اشاره بهتر این کار را بکند، ارتباط بهتری برقرار می شود.»

حاج احمد واعظی در رثای امام علی(ع) و ضربت خوردن ایشان می خواند. ناله ها را خوب می شود فهمید. حال دل حاضران برای مراسم آماده و مسیر ذکر و دعا نیز هموار است. دعای جوشن کبیر شروع شده است و ذاکر اهل بیت(ع) با سوزی مثال زدنی فرازهای دعا را می خواند. به چشم ها که نگاه می کنم، خیلی ها به اشک نشسته و خیلی ها در آستانه انقلابی درونی است. مترجم با حس و حالی خاص، معنای فارسی دعا را برای ناشنوایان بازگو می کند.

به سراغ حجت الاسلام والمسلمین علی پایاب، مدیر پایگاه های تبلیغی معرفتی حرم رضوی، می روم. او نیز با بیان اینکه این مراسم سومین سال است که در بارگاه منور رضوی برگزار می شود، می گوید: «قبلا شاهد برگزاری مراسم در دارالقرآن و دارالهدایه بودیم، اما استقبال سال های قبل باعث شد رواق حضرت زهرا(س) را برای این مراسم انتخاب کنیم. این مراسم را هم سطح و با کیفیت دیگر مراسم ها در حرم برگزار می کنیم تا شأن حضور این عزیزان به خوبی پاس داشته شود و مخاطب خاص ما تفاوتی میان خود با دیگر زائران احساس نکند.»

سبحانک یا لا اله الا انت... فرازهای پایانی دعا است و حال حاضران منقلب شده است و آماده برگزاری مراسم قرآن به سر هستند. نمایشگرهای بزرگ در حال پخش تصاویر مراسم از شبکه «سلامت» است.

دوست دارم نام خدا را بشنوم

پیش از پایان دعا و آغاز مراسم قرآن به سر، به سراغ مریم می روم و با همراهی یکی از مترجم ها با او گپی کوتاه می زنم. او که ۲۲ سال سن دارد، می گوید: «تا دو سال پیش در خانه بودم و مراسم شب قدر را پای تلویزیون تماشا می کردم. هرکدام از اعضای خانه در حال خودشان بودند. از آن ها می خواستم آنچه خوانده می شود، برایم ترجمه کنند، اما آن ها هم نمی توانستند همراهی کنند. دو سال است که با شرکت در این مراسم، معنای شب قدر را متوجه می شوم.»

از او می پرسم اگر می شنیدی، دوست داشتی چه صدایی به گوشت برسد؟ لحظاتی فکر می کند و می گوید: «دوست داشتم وقتی نام های خدا را به عربی می خوانند، این نام ها را بشنوم.»

دنیایی متفاوت با حواسی متفاوت

سعید هم نوجوانی مشتاق است که در این مراسم شرکت کرده است. او می گوید: «با نقصی که در قوای گفتاری داریم، حس های دیگر ما بسیار قوی تر از انسان های عادی است. از این رو درک من از مسائل اطراف و از طریق چشم ها بسیار بیشتر از درک دیگران است. یعنی همه هوش و توانایی من به قوای بصری ام منتقل شده است. علاوه بر این، افرادی مثل من قدرت لب خوانی فوق العاده ای دارند و اگر مترجم به خوبی با ما همراهی داشته باشد و مفاهیم را به خوبی منتقل کند، بهتر از انسان های سالم می توانیم اطراف، رخدادها و حس های غم یا شادی را متوجه شویم. دنیای من متفاوت از انسان های عادی است، با قدرت بسیار بیشتر در برخی حس ها که انسان های عادی خیلی عادی از کنار آن می گذرند.»

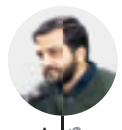


برای دیدن فایل ویدئویی این گزارش کد را اسکن کنید
scanit

عکس: محمدحسن صلواتی | شهرآرا

یادداشت

شب های قدر برای مشهد چه بخواهیم؟



حسین کمیلی
فعال فرهنگی

خداوندا ما مردمان این شهر، به واسطه همسایگی با امام هشتم(ع)، مورد غبطه میلیون ها عاشق و دلداده اهل بیت(ع) از سراسر جهان هستیم؛ چه بسیار که غبطه جرعه ای از آب سقاخانه حرم را دارند و برایشان فراهم نیست و ما غرق نعمتیم! از تو می خواهیم به شکرانه نعمت مجاورت، تقدیر شهرمان را امسال، «زائر» بیشتر و تقدیر ما را «خدمت» بیشتر به آن ها قرار دهی.

خداوندا مشهد به واسطه وجود مرقد نورانی حضرت رضا(ع) که ملقب به معین الضعفاست و زیارت او حج فقراست، همواره پناه و مأمن همه افراد از هر سطحی بوده است؛ بی معرفت هایی که ادب زیست در شهر امام را ندارند، مشهد را فرصتی برای ثروت اندوزی بی قاعده و مانور تجمل قرار داده اند و متأسفانه برای آن ها فرش قرمز پهن می شود! شهری که برای مردم عادی، بفرما نمی زند، شهر «برکت» نخواهد بود! تقدیر ما را مسئولانی باورمند به قدرت مردم، ساده زیست و وقف خدمت به مستضعفان قرار ده.

خداوندا مردمان متدین این شهر، به واسطه انس با معارف رضوی، اهل مدارا و مهمان نوازی و دارای نگاه های بلند و جهانی اند؛ عده اندکی از مقدس مآب ها و ذهن های کوچکی که درکی از نقش «جهانشهری» مشهد ندارند، می خواهند مردم شهر را مشغول مسائل فرقه ای و مذهبی کنند! شهرمان را از شر ایشان نجات بده.

خداوندا اینجا شهر شهادت است و حریت باید ویژگی اصلی اهل شهادت باشد! بارالها بر تعداد مسئولانی که چنان زندگی می کنند که از اعلام حقوق و دارایی هایشان خجالت نمی کشند! و در برابر ثروتمندان، چون موش و در برابر ضعیفان، گردن کش نیستند! بیفزا. پروردگارا در این سال، بر تعداد انسان های آزاده شهرمان که مؤمنانه و صادقانه و شجاعانه درد مردم را فریاد می زنند بیفزا.

خداوندا تقلید از دیگران، چشم هایمان را بر گنج های حقیقی این شهر بسته است! تقدیر مشهد را در این سال، کشف گنج های فراموش شده اش قرار بده. امثال «قلعه خیابان» ها با مردمانی که عاشق «خدمت» به زوارند! و امثال «گلشهر» که گنجینه اشتراک ما با «خراسان» بزرگ تاریخی است با مردمانی مؤمن و فرهیخته که ده ها شهید مدافع حرم تقدیم کرده اند، اکنون بایستی نگین درخشان شهر شهادت می بود، این ها گنجینه های واقعی برای پیشرفت اصیل مشهدند.

خبر

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گفت وگو با شهرآرا بیان کرد

پارکینسون؛ بدون آمار، دچار کمبود داروی وارداتی



تکتم جاوید | امروز ۲۲ فروردین مصادف با یازدهم آوریل، روز جهانی یک بیماری کمترشناخته شده به نام پارکینسون است. این بیماری را به علت ابتلای فراوان در سنین بیش از شصت سال، بیشتر بیماری سالمندان می دانند، درحالی که اطلاعات جسته وگریخته نشان می دهد میزان شناسایی این بیماری در میان جوانان رو به افزایش است. پارکینسون نیز مانند همه بیماری های خاص دیگر دلیل مشخص ابتلا ندارد، اما ۱۰ درصد علل بروز را ناشی از عوامل ژنتیکی بیان می کنند و بقیه اش مربوط به سبک زندگی است.

یک سال بیشتر از راه اندازی انجمن کشوری حمایت از بیماران مبتلا به پارکینسون نمی گذرد. تهیه آماری از تعداد مبتلایان در همه استان ها در دستور کار اولیه آن ها قرار دارد. به این علت که هنوز اطلاعات منسجم و دقیقی از این گروه در کشور وجود ندارد، در همان ابتدا ثبت نام از بیماران آغازشد. مسئولان براساس اعداد و رقم های جسته وگریخته تا پارسال تعداد بیماران شناسایی شده در کشور را ۲۵۰ هزار نفر اعلام کرده بودند. علت این شناسایی نشدن بموقع هرچه باشد، مسئله مراقبت از این بیماران، تأمین داروهای آنان و ارائه خدمات توان بخشی زودهنگام نکته مهم دیگری است.

دکتر ناصر وحدتی، معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، در گفت وگو با گروه جامعه شهرآرا، ضمن تأیید نبود آمار مشخصی از تعداد این بیماران در جمعیت زیر پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد، می گوید: «درباره همه بیماران، مشخصات و وضعیت آنان، بانک اطلاعاتی وجود ندارد و ما نیز از این تعداد بی خبریم و فقط مسئولیت ارائه دارو را به بیماران درگیر این بیماری داریم.»

وی ادامه می دهد: «داروهای این بیماران، هرآنچه سازمان در اختیار ما قرار می دهد، به بیماران می رسانیم، اما یکی از داروهای وارداتی این بیماران به نام «مادوپار» گاه با محدودیت روبه رو می شود و بیماران برای تهیه آن دچار مشکل می شوند.»

به گفته او مشابه ایرانی این دارو اکنون در دسترس است، اما میزان ورود و تأمین نیازهای بیماران مبتلا از حیطه عملکرد دانشگاه علوم پزشکی مشهد خارج است و باید با کاهش یا افزایش آن مدارا کرد.

پارکینسون نوعی اختلال مخرب سیستم اعصاب مرکزی با علت ناشناخته است که سیستم حرکتی بدن را درگیر می کند. از علایم اولیه پارکینسون می توان به لغزش، لرزش دست در حال استراحت، کندی در راه رفتن و حرکت و خندیدن اشاره کرد و پس از آن مشکلات رفتاری و زوال عقل رخ می دهد. بیماری پارکینسون درمان قطعی ندارد. با این حال، بسیاری از درمان ها برای کنترل علایم این بیماری بسیار مؤثرند و ممکن است از پیشرفت علایم این بیماری جلوگیری کنند.

تخمین زده می شود که بیماری پارکینسون دومین اختلال شایع مخرب سیستم عصبی بعد از آلزایمر باشد و ۷ تا ۱۰ میلیون نفر را در سراسر جهان درگیر کرده باشد.

